

## پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف" یکپژوهش تحلیلی و نقدی

دعاء علی عبداللطیف\*

چکیده:

اگر ما اجازه داشته باشیم که ادبیات مربوط به حاکمان و امیران و سلاطین و بزرگان جامعه - خواه ایشان تقدیم شده یا بنام آنان و میل و رغبتشان یا در مقابل صله و انعام در مدحشان سروده شده باشد را ادبیات رسمی، یا ادبیات درباری و سلطانی بنامیم، این اجازه را باید نیز داشته باشیم که ادبیاتی که قهوه خانه ها یا نشستهای ادبی مردمی یا ادبیاتی که در موضوعات ذاتی و موضوعات متعلق نزدیک به اجتماعپایین جامعه و در حد فهم آنان است؛ ادبیات مردمی را بنامیم، بنابراین ادبیات مردمی عبارت از ادبیاتی است که از طرف شاعران و ادیبان به قشره های پایین جامعه دور از حاکمان و نفوذ مستقیم آنان ارایه شده باشد، ما اگر ادبیات مردمی روزگار صفویان مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، به این نتیجه می رسیم که شرایط آن زمان چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ مذهبی و اجتماعی جهت به وجود آمدن چنین ادبیاتی فراهم بود، مسایل و نکات سیاسی و اجتماعی در آن مرحله از زمان نیازمند شرح و تفصیل و تفسیر بود که در سطح و فهم عامه مردم باشد، این شرح و تفصیل به طبقه ی عوام کمک می کند که جوابگوی اوضاع کشور که به تازگی به وجود آمده بود. بنابراین این دانشمندان، علمای دین و ادیبان سعی می کردند عامه مردم از آثار علمی و ادبی آنان بهره ببرند، همچنین رواج قهوه خانه ها و محافل ادبی کمک شایانی

---

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ی ادبیات - دانشگاه منصوره - دقهلیه - مصر

۱۳۶ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

می کرد که مردم با ادبیات انس گیرند و ادبیات حکم آینه یافت که احوال و زندگی مردم در آن آینه انعکاس یافت، علاوه بر این مهاجرت شاعران و ادیبان به سرزمین هندوستان، به آنان نوعی از آزادی داد به نحوی توانستند اشعاری را خارج از دایره ی خواستهای صفویان بسرایند، از قبیل قانع کردن دیگران و توصیف یک تجربه ی شخصی است. ما در این پژوهش، ادبیات مردمی را از راه یکی از پدیده هایش یعنی پدیده ی "شهر آشوب" مورد بحث و بررسی قرار می دهیم، پدیده ی "شهر آشوب" یکی از پدیده های روزگار صفویان است و معنای "هیاهوی شهرها" را می دهد.

**واژه های کلیدی:** لسانی شیرازی، پدیده ی شهر آشوب، منظومه ی مجمع الأصناف، تحلیلی، نقدی.

#### مقدمه:

پدیده "شهر آشوب" یکی از پدیده های مهم ادبی روزگار صفوی به شمار می رود، و این پدیده ی عبارت از یک اصطلاح ادبی به معنای "هیاهوی شهر"، و این پدیده؛ یکی از انواع شعر فارسی است که در دو جهت سروده می شود به ترتیب زیر: جهت نخست در وصف پیشه ها و حرفه ها و تغزل به پیشه وران و صنعتگران، و جهت دوم مدح یا ذمّ اهل یک شهر است.

البته من در این پژوهش دو جهت ذکر شده را مورد بررسی و بحث قرار دادم، ولی منظومه ی شعری که مورد بحث و بررسی و نقد در این پژوهش قرار گرفته؛ در موضوع وصف پیشه ها و تغزل به پیشه وران بود. ناگفته نماند که این نوع شعری؛ وابسته به پدیده ی ادبیات مردمی است که قبل از دوران صفوی به وجود آمده بود، ولی در روزگار صفوی رواج و تکامل بیشتری یافته است.

بخصوص علل و انگیزهای که مرا به بحث بر این پدیده واداشت ندرت

واهمیت آن است، چون پدیده "شهر آشوب" یا "هیاهوی شهر"، از طرف پژوهشگران ایرانی و عرب بطوری جدّی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در نتیجه تعداد زیادی از ادبای روزگار ما پیرامون این پدیده اطلاع چندانی ندارند بخاطر این، کسانی که در مورد آن پدیده اظهار نظر کردند، دچار اشتباه شدند. بدین علّت خیلی مهم بود که اصطلاح شهر آشوب را به صورتی آشکار و درست شناسانده گردد. من در این پژوهش از شیوه نقد و بررسی پیروی کردم و مقاله را در یک پیش درآمد و چهار فصل نگاشتم.

در مقدمه و پیش درآمد من پیرامون ادبیات مردمی که پدیده ی شهر آشوب به آن وابسته است سخنی رانده، و اسباب و علل ظهور و گسترش آن در روزگار صفوی را ذکر نموده ام. چهار فصل این مقاله به ترتیب زیر انتظام یافت:

فصل اوّل: عنوان این فصل تعریف و شناساندن اصطلاح "شهر آشوب" است، و همچنین در این فصل معلوم شد علاوه بر شعر "شهر آشوب" نثر "شهر آشوب" نیز وجود دارد.

فصل دوّم: عنوان این فصل "قالبهای نظم متعلق به "شهر آشوب" قالبهای شعری را که شعرای شهر آشوب بکار می بردند مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

فصل سوّم: عنوان این فصل "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی که این عنوان به دو بخش تقسیم شده است؛ بخش اوّل: در این بخش شرح حال شاعر آمده، و در بخش دوّم: موضوع وصف حرفه ها و تغزل به پیشه وران در منظومه ی "مجمع الأصناف" لسانی شیرازی است.

فصل چهارم: محتوای این فصل دور "نقد ادبی پدیده ی شهر آشوب" می چرخد،

۱۳۸ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

ومن در این فصل جنبه های حسن و قبح این پدیده را از دیدگاه شخصی خود روشن  
می کنم.

فصل اول: شناساندن اصطلاح "شهر آشوب":

یکی از پدیده های ادبی که جامعه ی روزگار صفوی در پیدایش آن نقشی بسزایی  
داشت، پدیده ی توصیف پیشه ها و غزلگویی و تغزل به پیشه وران است که در  
کتابهای تاریخ ادبیات و تذکره نامه ها، نام شهر آشوب را به خود اختصاص داده  
است. (عبدالمؤمن: ۱۹۷۹، ۳۲۹).

### معنای شهر آشوب:

شهر آشوب یا شهر انگیز معنای هیاهوی شهر را می دهد، و این اصطلاح  
اوضاع مردم يك شهر را بیان و منعکس می کند از راه مدح یا ذم آنان است. و این  
اصطلاح بر نوعی از انواع شعر دلالت می کند که در این شعر پیشه وران و پیشه های  
آنان مورد توصیف قرار می گیرد. در نظم این شعر قالبهای گوناگونی همچون قالب  
رباعی، غزل، مثنوی و قصیده مورد استفاده قرار می گیرد (گلچین معانی: شهر آشوب  
در شعر فارسی: ۱۳۴۶ ه، ق، ۳). اصطلاح شهر آشوب يك ترکیب وصفی که به  
صورت صفت فاعلی بکار رفته است، و لغت نویسان معنای این اصطلاح را چنین  
نوشتند کسی که با جمال و زیبایی خویش در روزگار فتنه و آشوب برمی انگیزد،  
و صاحب معجم بحر العجم می گوید: کسی که با حسن و جمال و زیبایی خویش،  
نظم و آرامش يك شهر را بهم می زند و به باعث فتنه و اغتشاش روزگار می گردد،  
کما اینکه معنی مدح یا ذم شاعرانی است که متوجه مردم يك شهر بوده  
باشند. (همان: ۴).

این فن از فنون شعر فارسی، عناوینی دیگری غیر از عنوان یا اصطلاح "شهر آشوب" و "شهر انگیز" یافت مانند "عالم آشوب" و "روزگار آشوب" و "جهان آشوب" و "فلك آشوب" اما این همه ی عناوین در چهار چوب این فن قرار می گیرد. (عبدالمؤمن: ۲۲۹). آثار دیگری نیز در چهار چوب این اصطلاح می آید، ولی زیر عنوانهای دیگری آمده است مانند "کارنامه ی بلخ" حکیم سنائی غزنوی و "قصیده ی لامیه" کمال الدین کوتاه پای و "صنائع البدائع" سیفی بخاری و "مجمع الأصناف" لسانی شیرازی. (پناهی: ۱۳۷۳، ۵۸).

شعرای شهر آشوب، القابی گوناگونی بر پیشه وران دادند مانند "مہزار" و "زیبا" و "محبوب" و "معشوق" و "دلربا" در حالیکه امکان ندارد که همه پیشه وران و صنعتگران در يك شهرى همه زیباروی و خوشتراش باشند، ولی شاعر شهر آشوب در عین حالی از خواهان تفنن در ابداع صنعت شعری است که مایل نبود که توصیف ابزارهای آهنگری به صورت خشك صورت بگیرد، چونکه چنین روشی دور از ظرافت و ذوق شاعرانه دل انگیز است. بدین دلیل شاعرانی که شعرهای "شهر آشوب" را سروده آند، پیشه وران و صنعتگران يك شهر را به صورت محبوبي زیبا و دلربا و فتنه و شور انگیز منعکس نمودند. (همان: ۵۸).

هنگامی که عامه ی مردم، اصطلاح شهر آشوب را به معنی "هیاهوی شهر" را تلقی کردند، هیاهوی که از در آمیختگی صداهای آهنگران و بخاران و صنعتگران با صدای مردم و فروشندگان به وجود آمده است، ولی شاعران این اصطلاح را فنی می دانند که به وسیله ی این فن اشعاری را در تغزل به پیشه وران و کسبه و صنعتگران بازار می سرایند و از در آمیختگی صداهایی که از این قشر مردمی بوجود می آید،

۱۴۰ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

سمفونیهای شعری زیبایی را می سازند که این سمفونیها با هم انسجام تمامی یافت. بنابراین، شاعران صورتی گویا و تمام عیار از بازار ایران در روزگار صفوی به نمایش می گذارند. در روزگار صفوی جنب و جوش پیشه وران و صنعتگران در بازارهای شهری همه ی فعالتهای دیگر را تحت الشعاع خود قرار می دادند، و به عبارت دیگر کسبه و صنعتگران حرف اول را می زدند (همان: ۵۸).

قدیمترین نمونه های شعری از فن "شهر آشوب" عبارت از نود و دو قطعه ی شعری است که با قالبهای مختلفی در دیوان مسعود سعد سلمان دیده می شد. (خانلری: ۱۳۴۸، ۶۳) از جمله این قطعه ها، قطعه ی زیر است که مسعود سعد سلمان آن را در وصف معشوقی آهنگری سروده بود:

آهنگری بست پیش تو؟      با من ای دلربای داده تن

(گلچین معانی: شهر آشوب در شعر فارسی: ۱۰)

### شعر شهر آشوب کار:

شعر "شهر آشوب" یکی از موضوعات خوب و انگشتنمای شعر فارسی است که به کار و کارگران تعلق دارد، به حساب می آید، ناگفته نماند که کارهای دستی از اهمیت بسزایی در شعر شهر آشوب برخوردار است، تا جای که می توان گفت که اهمیت شعر شهر آشوب کمتر از اهمیت شعر شاعران کلاسیک نیست، لیکن شعر شهر آشوب، یک تفاوت اساسی با دید دیدگاه دیگران نسبت به شعرای کلاسیک دارد، نخستین تفاوت میان شعر شهر آشوب و شعر کلاسیک این است که شاعران در شهر آشوب با پیشه وران و صنعتگران و حرفه و کارهای آنان روبرو هستند، شاعران شهر آشوب اسم و رسم و حرفه ی پیشه وران را دقیقاً مورد توجه قرار

می دهند و پیرامون ویژگی های این حرفه ها و زیبایی های که به صورتهای گوناگونی در این پیشه ها جلو گر است، صحبت می کنند (پناهی: ۵۸)، بعنوان مثال، شاعر پیرامون بچه ای صراف می گوید:

وصف صراف من مهجورست      که ز بسیاری زر مغرورست  
با دلبر صراف که چون قاروست      مغرور بنقد روز افزوست  
گفتم که ترا چند عدد زر باشد      گفتا که زر من از عدد بیرونست  
(لسانی شیرازی: شهر آشوب: ۱۱۹)

خیلی روشن است که شاعر در این ابیات روی جنبه های گوناگون پیشه ی صراف انگشت می گذارد، و به شمردن قطعه های زر و تفکیک آن قطعه ها به تکه های کوچکتری اشاره می کند، همچنین قیمت بالایی زر و هزینه ی ساخت زیورهای زرین از نظر خود دور نداشت. شیوه ی شاعر در این ابیات روان و دور از تکلف است و فهم و درك آن به درنگ و تأمل نیاز ندارد (عبدالمؤمن: ۲۲۹ - ۲۳۰).

### واقعیت گرایی در شعر شهر آشوب:

شعرای شهر آشوب به واقعیت گرایی اهمیت می دهند به دلیل روبر شدن شاعر با رویدادهای ملموس در شعر مربوط به پیشه های دستی است، در این میان شاعر نهایت مهارت خود را جهت به تصویر کشیدن ساخته های پیشه وران در اشعار شهر آشوب به خرج می دهد، و شاعر حرص می ورزد که دیدگاه صنعتگران و پیشه وران حضور یابد و نتیجه ی کوششهای آنان را از نزدیک ببیند و در پرده ی شعر بکشد و سرعت عمل پیشه وران را در انجام کار ملاحظه نماید، و آن مهارت و سبك دستی در شعر شهر آشوب خویش بصورت شاعرانه جلو گر سازد. شاعر به

۱۴۲ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

منظور به تصویر کشیدن آن مهارتها و سبك دستى ها از شعر افزارهاى فنى شعر، جهت ظريف و لطيف سازى خشكى اين حرفه ها كه در اذهان مردم رسوخ پيدا كرده بود، كمك مى گيرد. شاعر پيشه ور و صنعتگر را به صورت محبوبترين رمزهاى تخيلى خویش جلوه گر مى سازد، ووى را معشوق و محبوب خود مى نمايد، چون مهارت پيشه ور در اداى كار خویش علاقه و شيفتگى خاصى را در ذهن شاعر به وجود آورد كه از شيفتگى و تعلقش نسبت به معشوق خود كمتر نيست. بدین نحو، شاعر شخصيت فنى پيشه ورا بالايبيرد و به رخ ديگران مى كشد، همچنين شاعر شهر آشوب، منزلت پست و پايين صنعتگران را كه جامعه بر آنان تحميل كرده است، به اوج تفكرات شاعرانه مى برد.

بى شك هدف از اين نوع شعريها، جاويدان ساختن كارهاى مفيد و سازنده است، و دورى از مبالغه گويى هاى شعرى كه در اشعار عشق و ستايش به چشم مى خورد. (البحيرى: ۲۰۰۹ م، ۵۸).

شعر شهر آشوب، ويژگى ديگرى نيز دارد كه عبارت از اين كه است كه اشخاصى كه در شهر آشوب وصف و ستايش مى شوند به طور كلّى از مردمان عادى و بيشتر از عوام جامعه و پيشه وران و صنعتگران زحمتكش بودند، و چنانكه شاعر شهر آشوب سرا، اشخاص از طبقه هاى بالاتر را به آنان مى افزايد، همه ي آنان در يك قاعده ي شعرى قرار مى گيرند، بنابرین، ميل و گرايش عاطفى شاعر به صورت يكسان متوجه كلّ طبقه هاى جامعه مى شود، بطورى كه شاعر پز شك را در كنار چاهكن، حاكم در كنار رنگرز، و كفش دوز را در كنار بازرگان بيطرفانه وصف و ستايش مى كند (پناهى: ۵۸).

### شهر آشوب و نقد اجتماعی:

نوعی از شهر آشوب در نقد اجتماعی جامعه بکار می رود که برخی از شاعران فارسی زبان این نوع ادبی را برای بیان مفسده های اجتماعی بکار بردند، و انتقادهای تند و زننده را متوجه دولتمردان ستمگر و درباریان و مسؤولان فاسد ساختند، از جمله این گونه موارد؛ شهر آشوب از مسعود سعد سلمان دیده می شود که شاعر در این شهر آشوب درباریان و نزدیکان دوره ی سلطان غزنوی را به باد انتقاد می گیرد و رفتارهای خفت آور و پوچ آنان را سرزنش و تقبیح می کند. بدون شك شاعر در این شهر آشوب، صورتی روشن و آشکار از دربار غزنوی به دست می دهد، بدین نحو:

بو الفضایل که سیدی است اصیل      زهره شیر دارد و تن پیل  
مست کردند چو پیل با یک و پنج      نقل سازد ز ناز سیده ترنج  
کس نباشد قمار دوست جو او      ز آنهمه طایفه، هموست، همو  
(همان: ۶۲)

### شهر آشوب منثور:

در حالی که بیشتر آثار شهر آشوب به صورت شعر به رشته ی تحریر در آمده است، ولی نوعی دیگر از شهر آشوب منثور وجود دارد، در این خصوص "احمد گلچین معانی" اشاره کرد که شهر آشوب منثور وجود دارد از قبیل: "رساله های تعریف اصفهان" از آثار میرزا اعجاز هراتی معروف به "ملا عطا"، این اثر رساله ایست به نثر فصیح و سودمند و از لحاظ تعریف و توصیف شهر اصفان و ساکنانش در دوران حکومت صفوی بی نظیر است، همچنین "شهر آشوب" شفیع، تالیف میرزا محمد شفیع، این شهر آشوب درباره ی امیر هند و سلطان هند و اعتماد الدوله و برخی از

۱۴۴ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

رجالات نامدار هندوستان صحبت می کند و اطلاعات تاریخی ارجمند و ارزنده ای  
را در بر می گیرد. (گلچین معانی: شهر آشوب در شعر فارسی، ۹۴-۹۵)

### فصل دوم: قالبهای نظم در شهر آشوب:

در شهر آشوب قالبهای خاصی بکار رفته است و ما تصویر گوناگون از آن  
همچون قطعه، قصیده، رباعی، مثنوی، و غزل را در دست داریم. ولی بطور کلی  
بیشتر آشوبهایی که برای پیشه وران سروده شده است، بیشتر در قالب رباعی نظم  
یافته است. (قندیل ۱۹۸۱م، ۱۶۷). اما شهر آشوبهایی که جهت مدح و ذمّ مردم یک  
شهر سروده شده بودند اغلبا بر قالبهای قصیده یا مثنوی استوار بوده است. (گلچین  
معانی: شهر آشوب در شعر فارسی، ۳).

### قالب رباعی:

مهستی گنجوی که خانمی شاعر بود و شعری می سرود (پناهی: ۶۵) کفش  
دور را به وسیله ی یک شعر زیبا توصیف کرده است، و برای ما روشن کرده که آن  
کفش دوز از دهان خود در دوختن کفشها کمک می گیرد، و پیدا است که سوزن را  
به وسیله ی دهان و دندانهای خویش از کفش می کشید، چون توان کشیدن سوزن  
فرورفته در کفش به وسیله ی دست خود نداشت، مهستی در این خصوص می  
گوید:

زیبا بت کفشکر چو کفش آراید      هر لحظه لب لعل بر آن میساید  
گفتی که ز لعل شکرش آید      تاج سر خورشید فلک را شاید  
(گلچین معانی: شهر آشوب در شعر فارسی، ۱۶)

خانم شاعر نیز، پسر نعلبند را با زیبایی تمام توصیف کرده وی را به صورت

ماه چهارده روزه تشبیه نموده است، هلال یا ماه نو که از متعلقات ماه به حساب می آید، مشبه به سم در آمده، چون سم اسب و هلال از حیث شکل ظاهری شبیه یکدیگرند:

آن کودك نعلبند داس اندر دست      چون نعل بر اسب بست از بابنشت  
زین نادره تر که دید در عالم بست      بدری بسم اسب هلال بر بست  
(همان: ۱۷)

### قالب مثنوی:

در خصوص مثنویهای شهر آشوب، همانطوری که قبلاً اشاره کردم صرفاً در زمینه ی مدح یا ذمّ اهل يك شهر سروده می شد، من مناسب می دانم که مثالی در این خصوص از سنائی غزنوی بیاورم، این مثنوی از نخستین مثنویهای سنائی؛ یعنی مثنوی "کارنامه ی بلخ" است که هنگام اقامت وی در شهر بلخ آنرا به نظم در آورده بود:

هست معلوم عالم و جاهل      که در این روزگار بی حاصل  
منصب آنرا بود که شورانگیخت      نان کسی خورد کآبروی بریخت  
من نه آنم که شورانگیزم      آبرو را برای نان ریزم  
(پناهی: آشنا، ۶۳)

ولی مسعود سعد سلمان، شاعری بود که شهر آشوب را بر چندین قالب شعری سروده بود، او يك مثنوی شهر آشوب در بحر خفیف دارد که حدود سیصد و هفتاد و يك بیت است و موضوع آن وصف دولتمردان دربار سلطان و مطربان و مدح و ذمّ آنان بود، وی در مدح امیر می گوید:

۱۴۶ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

|                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| در بابر امیر کیکاوس         | خوب و رنگین نشسته چون طاوس |
| مایه عشرت است و کان طرب     | نکند جز نشاط و عیش طلب     |
| نیست عیش جز آنکه بن سیم است | همه امیدش از بدر بیم است   |

(همان: ۶۳)

### قالب قصیده:

قالب قصیده در مدح و ذمّ و هجا بکار رفته است، یکی از قصاید شهر آشوب که در ذمّ و هجا سروده شده بود، قصیده ای از کمال الدین کوتاه پای در ذمّ و نکوهش اهل منطقه ای که وی در آن کار می کرد، تعداد ابیات این قصیده که در سال ۵۸۶ هجری انشاء شد در حدود سی و شیش بیت است، این سی و شیش بیت در تذکره عرفات درج شده بود و هدایت بیست و چهار بیت از ابیات آن را در کتاب خود "مجمع الفصحاء" آورده است. (گلچین معانی: ۱۸-۱۹).

این کسیت؟ این دهدار ده، این کیست؟ این معماره حقا کاو از هر دبه، گر عقل خواهی فی المثل مسکین من اندر دستشان، زرین رای و روی بستشان چندانکه خواهی هستشان، بغض و سفه کفر و ضلال. (گلچین معانی: ۱۹).

سامی هزار جریبی قصیده ای را سروده بود که هدایت، یازده بیت از آن قصیده در کتاب "مجمع روادشتند، شکایت دارد.

|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| خجسته طالع و فرخنده فال و نیک اختر | هر آنکه چون من از مرز فارس کرد گذر |
| چه فارس رنج روان و چه فارس آفت     | چه فارس ماحی نفع و چه فارس حامی سر |
| رواج دوری هر نقد ز جهل و غرور      | کای از وی هر جنس کان ز فضل و هنر   |

(همان: ۱۹)

### قالب قطعه:

مسعود سعد سلمان در رأس شعرایی قرار دارد که در قالب قطعه شهر آشوب سروده بود، وی نود و یک قطعه شهر آشوب باوزنهای گوناگون سروده بود، او در وصف یک آهنگر گفته بود:

اگر آهنگر بست پیشه تو را      با من ای دلربای در ده تن  
از دل خویش وز دلم برساز      از پی کار کوره و آهن  
کآهنی نیست سخت چون دل تو      کوره پی نیست گرم چون دل من  
(گلچین معانی: شهر آشوب در شعر فارسی، ۱۰)

### و در وصف معشوق نانوا گوید:

اندر تنور روی چون سوسن فروبری      چون شمع و گل بر آری بازار تنور راست  
تا بر سر تنوری می ترسم از تو زانک      طوفان نوح گاه نخست از تنور خاست  
(همان: ۷)

فصل سوّم: شهر آشوب لسانی شیرازی:

(أ) شرح حال شاعر: نام و لقب وی:

اسم وی در نسخه های خطی آتشکده ی آذر " آذریکدل: ۵۱۳۷۷، ۲۲۹) به صورت مولانا لسانی شیرازی آمده است، ولی سعید نفیسی (نفیسی: ۵۱۳۲۴، ج ۱، ۴۳۶) تنها مرجعی بود که اسم وی را به طور کامل تدوین کرد و تاکید نمود که نامش وجیه الدین عبدالله لسانی شیرازی است، وی از جمله برزگان شعرای روزگار خود به شمار می رفت، پدرش امیر بائع المسک شیرازی است، و در جای دیگر اشاره رفت که از القاب او کمال الدین است.) همان ج ۲، ۸۲۵).

۱۴۸ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

## روزگاری:

لسانی در شیراز دیده به جهان گشود و بیشترین عمرش را در تبریز و بغداد گذراند، سرانجام در تبریز به همراهی بزرگان روزگارش اقامت گزید که بدین علت برخی از مؤلفان نامه ها وی را به تبریزی نسبت دادند. (آذر بیکدلی: ۲۲۹)، (صفا: ۱۹۹۴ م ج ۵، ۶۳۶).

در خصوص تاریخ تولدش، مراجع تاریخی درست و دقیقی ذکر نکردند، اما می توان گفت تاریخ تولدش از روی برخی اشاراتی که در چندین مرجع آمده بود تعیین کرد، اشارات مزبور تصریح کرد که تاریخ تولدش تقریباً پنجاه سال قبل از وفاتش صورت گرفت، بنابراین نظر به اینکه وفاتش در میان سالهای ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ هجری محرز گردید، همچنین می توان گفت که او تقریباً آغاز تاسیس دولت صفوی؛ یعنی سال ۹۰۶ - ۹۰۷ هجری به دنیا آمده بود. (البحیری: ۲۰).

## ویژگی های شخصی او:

لسانی بلاغت و فصاحت را وافر و عزت نفس بی حدی داشت، بسیاری از ادبای دور و نزدیک روزگار او، برای او حشمت و حرمت قایل بودند، لسانی يك شخص واقعگرا بود، صاحب مجمع الخواص در حق او می گوید: "او شاعری معروف و نامدار، همچنین عاشقی محروم و رنج دیده، همچون او را نمی توان یافت، علاوه بر این لسانی از سماحت عقیده برخوردار بود. "تقی اوحدی درباره ی او چنین نوشت: "او شاعری توانا و دارای زبانی گویا و اندیشه ای مردم پسند است، و بطور کلی او به مثابه گلی که در کنار رودخانه ی فصاحت و بلاغت روئیده باشد." لسانی طبیعت و خویی راستین و عقیده ی پاك داشت، همچنین عارفی عاشق و با ایثار

واهل فضل و مستجاب الدعاء بود، به نحوی که خداوند دعا‌های او را می پذیرفت و بر آورده می ساخت. (گلچین معانی: مکتب وقوع در شعر فارسی. ۵۱۳۴۸، ۲۸۹-۲۹۰).

نام لسانی ضمن گروه از بیست و دو شاعر شیعی مذهب در کتاب "مجالس المؤمنین" آمده است و ذکر او بعنوان شاعری شیعه مذهب در محافل ادبی مکررا یاد می شد. (براون: ۱۳۱۶ هجری، ۱۵۷). آوازه های او به عنوان شاعری متعهد نسبت به مذهب تشیع؛ بیشتر از آوازه های وی به عنوان يك شاعر است. (المصری: ۱۳۸۳ م، ۳۷۸) چون علیرغم روایاتی که اشاره دارد به اینکه وی بیشتر از صد هزار بیت سروده بود، ولی این اشعار شهرت چندانی نداشت. (براون: ۱۵۷).

#### تالیفاتش:

۱- يك دیوان شعری است در کتابخانه ی موزه ی بریتانیا زیر شماره ی (۰۳۳۰۷)، به علاوه نسخه ی دیگری ده هزار بیتی از این دیوان نزد استاد فقید احمد گلچین معانی. (گلچین معانی: مکتب وقوع در شعر فارسی، ۳۹۱).

۲- منظومه ی شعری "ساقی نامه" بر بحر متقارب مثنی مقصور. (صفا، ج ۵، ۶۳۸)، و استاد احمد گلچین معانی اشاره می کند که این منظومه در حدود ۱۹۸ بیت است، و این صد و نود و هشت بیت در تذکره نامه ی "پیمانه" که ذیلی بر تذکره نامه ی "میخانه" است درج شده است، شایان ذکر است که استاد احمد گلچین معانی این منظومه را تصحیح کرده و شیش بیت ضعیف از ابیاتش حذف نموده است. (البحیری: ۲۶).

۳- شهر آشوب در شعر فارسی به عنوان "مجمع الاصناف" در پانصد و چهل رباعی

۱۵۰ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

است، در ضمن این اشعار یکصد و هشت عنوان مثنوی آمده است. (گلچین معانی:  
مکتب وقوع در شعر فارسی، ۳۹۰ - ۳۹۱).

### وفاتش:

لسانی همزمان با درگیری دولت عثمانی با مردم تبریز و تسخیر آن شهر در دوره ی صفوی دارفانی را بدرود گفت، مولانا لسانی در آن گیرودار در يك دعایی گفت: بار خدایا! مگذر که چشمم لشگری غیر از لشکر شیعه ای اثنا عشر را ببیند. " به نظر می رسید که تیر دعای وی به هدف اصابت کرد؛ هنگام ورود لشکر عثمانی به شهر تبریز نعش و جنازه ی لسانی از آن شهر به سوی قبرستان روان بود، و لشکر مهاجم را به چشم خود ندید، یعنی وفاتش در سال ۹۴۱ هجری صورت گرفت. (گلچین معانی: مکتب وقوع در شعر فارسی، ۳۹۰ - ۳۹۱).

### (ب) منظومه ی مجمع الاصناف لسانی شیرازی:

منظومه ی "مجمع الاصناف" منظومه ای ست از تالیف لسانی شیرازی است، این منظومه عبارت از مجموعه ی از رباعیات در وصف پیشه وران و صنعتگران همراه با ذکر دست ابزار حرفه و صنعت و عادات و رسوم آنان است. لسانی جهت وصف حرفه ای پنج رباعی و يك بیت مثنوی در بحر رمل مسدس مخبون اختصاص داده (عبدالمؤمن: ۳۳۰).

لسانی شیرازی راه تمیز و تازگی را برای خود برگزید، و تنها کسی بود که يك منظومه ی کامل در وصف و تغزل به پیشه وران و صنعتگران پرداخت و تالیف نمود، با اینکه ابیات زیادی در کتابها و تذکره نامه ها و منظومه های شعری در فن شهر آشوب بطور پراکنده وجود دارد، ولی اینکه منظومه ی "مجمع الاصناف" تنها

منظومه ای بود که کاملاً در وصف و تغزل به پیشه و ران تنظیم یافته و تعداد زیادی از آنان را برداشته است، بدین علت این منظومه به صورت نامدارترین شهر آشوبی در آمده و شهرت و آوازه ای بی همتا و نظیر بدست آورده است، علاوه بر اینکه مؤلف این منظومه، چاشنی از ابتکار و تجدد گرایی وارد آن نموده و باعث شده که خوانندگان از مطالعه ی منظومه لذت ببرند، همچنین لسانی منظومه ی خویش را "مجمع الاصناف" نامیده و به دلیل اشمال آن بر اصناف زیادی از پیشه و ران و صنعتگران است.

لسانی عنوانی برای منظومه ی خود به صورت يك رباعی است، او نیز يك راه و روش تازه ای را ابتکار کرد، و پنج رباعی را دنبال هم آورده که هر پنج رباعی يك واحد مستقل را تشکیل می دهد، و این مخمسها را بوسیله ی يك بیت مثنوی از هم جدا ساخت که هر مثنوی از این مثنویها بر يك صنعت یا حرفه ای دلالت می کند و بمثابه ی عنوانی برای آن صنعت است.

او در همه ی مخمسها همین روش را دنبال می کند و در حدود صد و هشت مخمس را منظوم ساخت که در مجموع پانصد و چهل رباعی بدست آمد. ولی رباعیهایی که هماکنون بدست ما رسیده است، تنها پانصد و سی و هفت رباعی است، چون در مخمس صد و دو سه رباعی کسری آمد، همان مخمسی که پیرامون پیشه ی کارگر حمام صحبت می کند. (البحیری: ۹۲).

لسانی در توصیف و تغزل به پیشه و ران در همه ی مخمسات و موضوعات مورد نظر شیوه ی ثابتی در پیش گرفت، وی نخست شهر آشوبهای خود را با تغزل به پیشه و ران آغاز می کند و تا آن حد در تغزل مبالغه به خرج می دهد که خوانندگان

۱۵۲ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

یقین پیدا می کنند که پیشه ور تنها معشوق اوست. شاعر در تغزلات خود به صنعتگران از دست ابزارهای حرفه ها و صنعتهای مربوط استفاده می کند تا جاییکه شنونده و خواننده با همان حرفه آشنایی خوبی پیدا می کند و از توصیفهای زیبا که متوجه صنعتگران می گردد، لذت می برند (همان: ۱۲۵).

۱- پیشه ها و پیشه وران در مجمع الاصفاف:

### آهنگر:

شاعر بوسیله ی رباعی چهارم نوع ابزارهای گوناگونی که به دست آهنگر ساخته می شود را روشن می کند، و در بیت رباعی کلمه ی سلسه یا زنجیر و گردنبند به میان می آمد.

آهنگر من غم تو شد حاصل من      جز غم نبود حاصل آب و گل من  
گر سلسه هستی من یاره شود      در طوق و محبت تو باشد دل من  
(لسانی شیرازی: مجمع الاصفاف، ۱۳۲)

### نانوا:

شاعر دو مخمس را به برخی از حرفه ها اختصاص داد که من جمله این حرفه ها نانوا و نانپز، وی در موضوع هشتاد و سه و موضوع نود و هشت پیرامون نانوا و مراحل پختن نان صحبت کرده که وی نخست آرد را خمیر می کند سپس خمیر را به صورت قطعه های متساوی در می آورد و داخل تنور می اندازد تا پخته شود. اما در موضوع نود و هشت، شاعر بچه نانوا را وصف می کند که نان گرم را از درون تنور بیرون می آورد و آنرا با سرعت و قبل از اینکه سرد شود میان مردم تقسیم می کند. وی درباره د نانوا حرفه ای چنین گفته است:

با نان پز خویش گفتم ای طرفه پسر      نان تو گرو میبرد از قرص قمر  
ابن نان تو مگر بنور پختی نه بنار      یا گندمش از باغ بهشت مگر  
(همان: ۱۴۶)

و در باره ی بچه ی نانوا می گوید:  
شاطر بچه بجای یکی رشك قمر      دی قطره ز نادن بسوی من کرد گذر  
نازك تن ناز پرورش غرق عرق      چون رشته ی سیم خام در لؤلؤ تر  
(لسانی شیرازی: ۱۳۲)

### درود گری:

لسانی، وقتی که از درود گری صحبت می کند، برخی از دست افزارهای  
این پیشه را مانند کلنگ واره شمرد و گفت:

نچار درخت افکن و شم      کاستاده بخدمتش همه عمر خوشم  
گرتیشه پپای من زند نشینم      و راره بفرق من دهد سرنکشم  
(همان: ۱۳۸)

### خانه سازی:

آشکار است که تا روزگار شاعر لسانی در خانه سازی جز گل و خشت  
گلین در خانه های قسمن اعظم مردم چیزی دیگر بکار نمی رفت، شاعر چنین می  
گوید:

بنا پسر از غم تو زارم چه کنم      ویران شده خانه قرارم چه کنم  
از رهگذر دیده من خاک نشین      در کوی تو کل در آب دارم چه کنم  
(همان: ۱۳۷)

۱۵۴ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

### پزشك:

شاعر واژه های مربوط به پیشه ی طبابت و پزشکی مانند درد، تب، بیماری، دارو و نبض گرفتن را در مخمس بر شمرد، و پزشك را مسیح لقب داد، چون عیسی که بر او و بر پیغمبر ما درود باد، بیماران را شفا می داد، شاعر در این زمینه چنین می گوید:

گل همچو رخ طیب من خندان نیست      یاقوت و گهر چو آن لب و دندان نیست  
(همان: ۱۰۹)

### ۲- حرفه های غیر از صنایع دستی:

#### باده فروش:

شاعر، مخمس نود و دو را در توصیف می و شراب فروش سروده است که این امر باعث شده که شاعر مورد مؤاخذه قرار گیرد. شاعر تحت این عنوان، واژه های متناسب با موضوع مانند جوشیدن می و شباهت آن به جوشیدن خون مردم بکار برده است، همچنین باده مسکر را به باده بهشت، و می فروش را به رضوان دربان بهشت تشبیه نموده است.

هر می که نگار می فروش آورده      خون دل خلقتست بجوش آورده  
نی نی می کوثرست کز باغ بهشت      رضوان به سبو کرده بدوش آورده  
(لسانی: ۱۵۱)

#### خرده فروش:

خرده فروش، کسی که چیزه های خرد و بی ارزش می فروشد، از مخمس که خرده فروش را توصیف می کند روشن می شود که خرده فروش يك فروشنده ی

گرا دن است، و غالباً بساط خود را از اول روز پهن می کند و قبل از فرار سیدن شب، بساط خودش را جمع می کند و به خانه ی خود بر می گردد، شاعر در رباعی اول می گوید:

خلقی زهوس در گذر خرده فروش      افتاده بدام دلبر خرده فروش  
من نیز بساط عاشقی پهن کنم      گر خرده نگیرد پسر خرده فروش  
(همان: ۱۳۴)

#### باربر یا بارکش:

باربر یا بارکش کسی است که بارها را می کشد و به زبان عربی عامیانه باربر شیال می گویند، یعنی کسی است به دیگران در بردن متعلقاتشان کمک می کند در برابر مقداری پول، ولی به نظر می رسد که پیشه ی بابری در روزگار صفوی به سختی صورت می گرفت. بطوری که شاعر یاد آور می شود که باربر بارها را بوسیله ی طنابی که به کمر خود بسته است، می کشد که این کار خیلی سخت به نظر می آید، شاعر در این زمینه گفته است:

کس بار نگار زورگر چون نکشد      چون بار غمش با دل محزون نکشد  
کان طرفه پسر بارخ و عنای و حسن      چیزی بکمر کند که گردون نکشد  
(همان: ۱۴۵)

#### فصل چهارم: نقد ادبی پدیده ی شهر آشوب

کارهای ادبی بر وفق رفتارهای اجتماعی در نقد ادبی نشان می دهد که میان رویدادهای اجتماعی و کارهای ادبی رابطه ی سازنده ای وجود دارد، به دلیل این که ادیب موضوع آثارش را از واقعیاتی که در جامعه رخ می دهد، شاعر و ادیب

۱۵۶ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

پدیده‌های اجتماعی تصویر و منعکس می‌کند و جوانب مثبت و منفی آنرا بیان می‌نماید. شاعر و ادیب نیز با شیوه‌های آشکار و روشن می‌نویسد و به جزئیات دقیق مسایل و زبان معمول و واقع‌گرا اهمیت می‌دهد.

پدیده ی شهر آشوب با جامعه رابطه ی تنگاتنگ دارد، چرا که شهر آشوب یکی از پدیده‌های ادبیات مردمی که شکل و صورت زندگی روزمره‌ای افراد و عموم جامعه را منعکس می‌نماید. شهر آشوب، حقیقت و طبیعت جامعه و دقایق زندگی را به تصویر می‌کشد، چون شاعران و ادیبان رابطه ی عمیقی با جامعه دارند که آنان موضوعات و زمینه‌های ادبی خود را از رویدادهای جامعه می‌گیرند، و آن موضوعات را دوباره به صورت يك هنر پيشناز و هدفدار پس می‌دهند. ناگفته نماند که آثار ادبی به مثابه ی آینه راستین که صورت جامعه در آن خودنمایی می‌کند، البته هدف کلی از این فعالیت‌های ادبی به جلوه بردن جامعه است و رساندن آن به مقام و مرتبه‌ای بالاتر و عادلتر است.

با توجه به بررسی‌های را که ما پیرامون پدیده ی "شهر آشوب" انجام دادیم، برای ما ثابت شد که شعرای شهر آشوب سرا، موضوعات اشعار خود را از طبیعت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، گرفته بودند. آنان يك عکس حرکت‌دار و گویا از بازار ایران و فعالیت‌های روزمره‌ بازایان و مردم ایران روزگار حکومت صفوی. تشکل این صورت گویا بدون پدیده ی شهر آشوب ممکن نبود، چون شعرای شهر آشوب، پیشه‌وران و صنعتگران آن عصر را توصیف و مدح کردند و همچنین آنان را معشوق و محبوب خویش دانستند و در مواردی که کم نیست شاعران شهر آشوب در مدح و ذم شهرها و ساکنانش شعر سرودند، شاعر شهر آشوب در وصف يك عطار چنین

گفته است:

عطار مرا ز رنگ و بو چیست که نیست      وز لطف در آن فرشته خو چیست که نیست  
جز مهر گیا که حاصل کشت وفاسیت      در طبله عطاری او چیست که نیست  
(لسانی شیرازی: ۱۰۹)

لسانی در این ابیات صورت راستین از يك عطار برای ما ترسیم می کند، و درباره ی طبیعت پیشه ی او صحبت می نماید با شیوه ی آشکار و زبان نزدیک به زبان روزگار. او در توصیف عطار، واژه های دال بر پیشه ی عطاری بکار برده و توضیح داده که عطار، داروهای گیاهی خود را از گیاهان طبیعی و عطردار می سازد.

جنبه های مثبت و منفی در پدیده ی شهر آشوب:

اولاً: جنبه های مثبت این پدیده:

استاد دکتر محمد سعید عبدالمؤمن در کتاب خود "الادب فی العصر الصفوی" می گوید: "کسی که اصطلاح شهر آشوب را می خواند، می تواند این اصطلاح را به "ضجیح المدینة" ترجمه کند، و این امر به نظر ما می تواند به فهم این فن ادبی و فهم ویژگی هایش که بعنوان يك فنّ نو و بی همتا و نظیر و با ارزش کمک نماید. بحث و بررسی در پدیده ی شهر آشوب فواید و اطلاعات بیشماری مربوط به عصر صفوی را در اختیار پژوهندگان قرار می دهد که از جمله ی این اطلاعات، روند صنعت و صنعتگری زمان دولت صفوی به ویژه صناعات و حرفه های دستی عامه ی مردم که در بازارهای آن مرحله رواج داشت. بدون شك توجه ادبا و شعرا به حرفه های رایج دوره، دلیلی است بر پیشرفت حرفه ها و هنرهای دستی و صنعت در جامعه،

۱۵۸ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

در نتیجه شعرا وادبا فرصت یافتند که با پیشه وران و صنعتگران و طبقه های گوناگون جامعه مرادده داشته باشند و پیرامون زندگی عملی آنان و مهارتشان در زمینه ی حرفه و صنعت به عنوان يك پیشرفت صحبت نمایند .

از نکات مثبت این فن شعری نیز آنچه جناب استاد "احمد پناهی" در مقاله ی خویش که در مجله ی فارسی زبان "آشنا" به عنوان "شهر آشوب" "شعر کار، شعر زندگی" چاپ شده بود و مفاد آن که یکی از انواع شعر "شهر آشوب" است که در نقد اجتماعی از طرف برخی شعرای بزرگ مانند "مسعود سعد سلمان" سروده شد است، در این نوع از "شهر آشوب" مفاسد اجتماعی و رفتار برخی از درباریان فاسد و ستمگر مورد ذم و نکوهش قرار گرفته است . از جمله این نوع نقد اجتماعی، شعری است که "مسعود سعد سلمان" در مدح و توصیف دولتمردان دربار غزنوی انشاد نموده برخی از درباریان و نزدیکان سلطان مورد مسخره و نکوهش قرار داده است، و خست و رذالت آنان را برملا ساخته است.

|                             |                           |
|-----------------------------|---------------------------|
| بو الفضایل که سیدی است اصیل | زهـره شیر دارد و تن پیل   |
| مست گردد چو پیل با يك و پنج | نقل سازد ز نارسیده ترنج   |
| کس نباشد قمار دوست چو او    | ز آنهمه طایفه، هموست، همو |

(پناهی: ۶۲)

ثانیا: جنبه های منفی این پدیده:

همانطوری که جنبه های مثبت پدیده ی "شهر آشوب" را شمردیم، سزاوار است که ما نیز به جنبه های منفی آن اشاره داشته باشیم . با اینکه این پدیده جنبه های مثبت زیادی دارد، لیکن به این معنی نیست که بی عیب و نقص باشد، به عنوان مثال برخی

شاعران شهر آشوبهایی دارند در ذم و هجای برخی از شهرها و ساکنانشان است، این ذم و هجا باعث می شد که مردمان آن شهرها خشمگین می شدند و عکس عملهای تنیدی از خودشان نشان می دادند، و به برخی شاعران اذیت می رساندند و آنانرا در زندان می انداختند و گاهی زبان آنان را می بریدند، یا آنها را می کشتند. یکی از این موارد، موردی است که دکتر "لیلی فؤاد" آنرا در کتابش "منظومه ی شهر آشوب حکیم شفایی" را ذکر کرد، خانم دکتر لیلی نوشت که قدیمترین شعری از اشعار شهر آشوب که در ذم و هجای شهرها سروده شده بود، شعری بود از فتوحی مروزی است (خانلری: ۳۶۷) و آن شعر را به انوری نسبت داده اند (همان: ۶۴)، شعر مزبور در ذم اهل بلخ بود.

بلخ شهری است در کنده به اوباش ورنود

در همه شهر و نواحیش یکی بخرد نیست

(30372:pajoohe)

نتیجه ی این ذم، دستگیری انوری به وسیله ی اهل بلخ و سوار کردنش بر الاغی به طور معکوس و گرداندن وی در شهر است قبل از اینکه قاضی "حمید الدین بلخی"، شاعر را از دست آنان رها سازد (دهخدا: ۳۳۴: ۵۱-۸۰)، و انوری ناچار بود که با اهل بلخ کنار آید، و قصیده ای در مدح آن شهر بسراید و رضای آنان را جلب کند. لیکن هجا دوره صفوی به دلیل فراوانی قهوه خانه ها رواج بیشتری یافت. از جمله ی جنبه های منفی نیز، تغزل برخی از شاعران شهر آشوب به گروهی از پیشه ورانی که به کارهای مخالف شرع اسلام دست می زدند، و بدون شك این کارهای حرام به افراد و کل جامعه زیان و ضرر می رساند، همچون کار

۱۶۰ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

قماربازان و عرق فروشان است، و ما به این مسئله در مورد انتقاد و خرده گیری از شاعر  
لسانی شیرازی در منظومه "مجمع الاصناف" اشاره داشتیم.

### نتیجه گیری:

سزاور ذکر است که مهمترین نتایجی که از این مقاله به دست آمده است  
به ترتیب زیر است:

۱- "شهر آشوب" يك اصطلاح فارسی به معنی بهم "زدن شهر" یا "هیاھوی  
شهر"، و این پدیده ی ادبی يك را انواع ادبی شعر در ادبیات فارسی است که درباره  
دو زمینه نوشته می شود: یکی توصیف پیشه ها و تغزل گویی به پیشه وران، دوم: مدح  
اهل يك شهر یا ذم آنهاست.

۲- فن "شهر آشوب" از پدیده ی ادبیات مردمی سرچشمه می گیرد، و این  
پدیده قبل از دوره ی صفوی ظهور یافت، ولی رفته رفته در روزگار صفویان رواج  
و تکامل پیدا کرده است.

۳- واقعگرایی از برجسته ترین ویژگیهای "شهر آشوب" به شمار می رود.

۴- قالبی خاصی برای "شهر آشوب" سرایی معین نشده است، ولی اغلبا  
اشعاری که درباره ی پیشه وران گفته می شود در قالب رباعی بود، در حالیکه شعری  
که در مدح و ذم شهری بکار رفته است در قالب قصیده یا مثنوی سروده می شود.

۵- دیدگاه مربوط به برخی از قدمای "شهر آشوب" را به باد انتقاد گرفتند،  
چون مؤلفان تذکره نامه های قدیم از این فن بی اطلاع بودند.

۶- قدیمترین نمونه ی شهر آشوب قطعه های مسعود سعد سلمان بود که بر  
وزنهای گوناگونی سروده می شد.

۷- خانم شاعر "مهستی گنجوی" تنها زنی بود که در این فن، شعر گفته است.

۸- لسانی شیرازی از پیشتانانی که در این فن شعر سرود، و نخستین شاعری بود

که يك اثر تكامل یافته را در شهر آشوب تحت عنوان "مجمع الاصناف" تالیف و تنظیم کرده است.

۹- پژوهنده، پس از بحث و بررسی در "شهر آشوب" به ویژه در شعر لسانی شیرازی و دیگران به این نتیجه رسید که شهر آشوب از نوع شعر حماسه است که از رقت و روانی خاصی برخوردار است.

۱۰- شعر شهر آشوب، گذشته از قالبی که در آن ریخته شد در واقع به پیشه وران ساده لوح و فقیر همّت می بخشد، و انگیزه ی صبر و کوشش بر سختی ها به آنان عرضه می دارد.

۱۱- یکی از جنبه های مثبت این نوع از شعر این است که يك صورت زنده و گویا از بازار ایران و فعالیتهای روزمره در دوره صفوی جلوی چشممان قرار می دهد، کما اینکه این فن نوید آینده بهتری به پیشه وران می دهد از راه نقد و ذم و سرزنش ستمگران و فاسدان آن زمان و بیان اوجه ظلم و فسادشان است.

۱۲- به نظر پژوهشگر، یکی از جنبه های منفی این فن همان جایی است برخی از شهرها و ساکنانش را بی شك به خشم بر می انگیزد، تا جایی که شاعران را مورد حمله و آزار قرار می دادند. جنبه منفی دیگر آنست که برخی از شاعران شهر آشوب تعدادی از پیشه ورانی که کارهای خلاف شرع انجام می دادند، مدح و توصیف کردند و به آنان تغزل نمودند.

### کتاب شناسی و منابع:

#### منابع و مآخذ عربی:

- ۱- خفه سعد مصطفی علی البحیری: لسانی شیرازی: شاعر پیشه وران دوران صفوی همراه با ترجمه کتاب شهر آشوب بیان نامه کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سوهاج، زیر نظر استاد یار شعبان ربیع طرطور و امال حسین، ۱۴۳۰ هجری، ۲۰۰۹ م.

۱۶۲ دعا علی عبداللطیف / پدیده "شهر آشوب" نزد لسانی شیرازی در منظومه ی "مجمع الأصناف"  
یکپژوهش تحلیلی و نقدی

- ۲- حسین مجیب المصری: المعجم الفارسی العربی الجامع، چاپ القاهرة، ۱۹۸۳ م.
- ۳- محمد سعید عبدالمؤمن: الظواهر الادبیه فی العصر الصفوی، چاپ القاهرة، ۱۹۷۹ م.

#### منابع و مأخذ فارسی:

- ۱- گلچین معانی، احمد: شهر آشوب در شعر فارسی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۶ ه، ش.
- ۲- گلچین معانی، احمد، مکتب وقوع در شعر فارسی، انتشارات بنیاد فرهنگ، طهران، ۱۳۴۸ ه، ش.
- ۳- بروان، ادوارد، تاریخ ادبیات در ایران، ترجمه: رشید یاسمی، طهران، ۱۳۱۶ ه، ش.
- ۴- صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد پنجم، بخش دوم، طهران، ۱۹۹۴ م.
- ۵- خاندلری، زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی، انتشارات توس، ۱۳۴۸ ه، ش.
- ۶- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، جلد اول و دوم، طهران، ۱۳۲۴ ه، ش، ۱۹۶۵ م.
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، طهران، ۱۳۴۳ ه، ش.
- ۸- آذربیکدلی، لطفعلی، آتشکده آذر، انتشارات مؤسسه اردیبهشت، طهران، ۱۳۳۷ ه، ش.

#### مجله های فارسی:

- ۱- مجله ی آشنا، ۵۹، سال چهارم، شماره ی بیستم، آذر و دی، ۱۳۷۳ ه، ش.

پست های الکترونی:

<http://www.Pajoohe.com/Fa/index..page=definition=30372>